

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه شیراز

انتشارات دانشگاه شیراز

۴۳۰

تاریخ ادبیات انگلیس

جلد نخست

ادبیات انگلیسی نوین

تألیف

دکتر امراله ابجدیان

استاد دانشگاه شیراز

۱۳۹۱

سرشناسه	:	ابهجدیان، امرالله، ۱۳۱۵ -
عنوان و نام پدیدآور	:	تاریخ ادبیات انگلیسی / تالیف امرالله ابهجدیان.
وضعیت ویراست	:	ویراست ۲.
مشخصات نشر	:	شیراز : دانشگاه شیراز، مرکز نشر، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	:	۴۰۸ ص.
شابک	:	۹۰۰۰۰ ریال ۷-۴۵۳-۹۶۴-۹۷۸:
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
یادداشت	:	چاپ قبلی: دانشگاه شیراز، مرکز نشر: ۱۳۷۱ (جلدی).
یادداشت	:	واژه نامه .
داشت	:	کتابنامه.
موضوع	:	ادبیات انگلیسی - تاریخ و نقد
شناسه افزوده	:	دانشگاه شیراز، مرکز نشر
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۰ ۲۷۲/۹۷PR
رده بندی دیویی	:	۸۲۰/۹
شماره کتابشناسی ملی	:	۲۵۶۸۲۰۰



تاریخ ادبیات انگلیسی جلد نخست - بیات - حسین قدیم

تألیف: دکتر امرالله ابهجدیان

ناظر چاپ: محمد حسن زارع

حروف چین: لیلا بنی اسدالله

ناشر: انتشارات دانشگاه شیراز

شمارگان: ۱۰۰۰

ویراست ۲: ۱۳۹۱

قیمت: ۹۰۰۰۰ ریال

(حق چاپ برای مرکز نشر دانشگاه شیراز محفوظ می باشد)

شورای انتشارات دانشگاه شیراز

دکتر مصطفی سعادت	معاون پژوهشی دانشگاه و رئیس شورای انتشارات
دکتر محمدعلی رنجبر	رئیس مرکز نشر دانشگاه
دکتر حسن ایزدی	دانشکده هنر و معماری
دکتر مهدی محبی فانی	دانشکده دامپزشکی
دکتر محمدعلی گودرزی	دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی
دکتر محمدجواد سلمان پور	دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دکتر نظام الدین فقیه	دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی
دکتر ایوب کریمی جشنی	دانشکده مهندسی
دکتر نجفعلی کریمیان	دانشکده کشاورزی
دکتر مظفر اسدی	دانشکده علوم
دکتر محمد امامی	دانشکده حقوق

شیراز، میدان ارم، کوی دانشگاه شیراز - کد پستی ۸۵۱۱۵ - ۷۱۹۴۶ ص.پ ۱۱۶۱ - تلفن: ۶۲۹۱۰۰۱
تلفکس: ۰۷۱۱-۶۲۷۲۰۵۰

فهرست گنجانده‌ها

۱	فصل نخست: روزگار انگلیسی قدیم: زمینه‌ها
۵	هجوم قبایل انگلوسک‌سین به بریتانیا و استقرار آنها
۷	تمدن و فرهنگ انگلوسک‌سین‌ها
۱۱	کیش انگلوسک‌سین‌ها
۱۵	عیسویت و فرقه‌های گوناگون آن
۱۵	کتاب مقدس
۲۱	زیم و عتیق و عهد جدید
۲۳	ع (ع عتیق)
۲۵	عهد جدید (عج)
۲۸	زبان انگلیسی قدیم
۳۰	ویژگی‌های انگلیس قدیم
۳۵	کارایی واژگان انگلیسی قدیم
	فصل دوم: فرهنگ ادبی انگلوسک‌سین
۴۴	فرهنگ عیسوی و ادبیات انگلولاتین
۴۹	بید پارسا
۵۵	فرهنگ سنتی انگلوسک‌سین
۵۷	فصل سوم: میراث کلاسیک سروده‌های رزمی انگلوسک‌سین
۵۷	تعریف حماسه
۵۸	حماسه‌های هومری و ورجیلی: ویژگی‌های آنها
۶۲	ایلیاد و ساختار آن
۶۸	ادیسه و ساختار آن
۷۲	ویژگی‌های ایلیاد و ادیسه
۷۹	تشبیه‌های حماسی

۸۳	ورجیل و حماسه‌ی ورجیلی
۸۳	اینی‌ئید
۹۳	فصل چهارم: سروده‌های انگلیسی قدیم و ویژگی‌های سروده‌های حماسی
۹۸	ویژگی‌های سروده‌های حماسی انگلیسی قدیم
۱۰۷	فصل پنجم: سروده‌های پهلوانی انگلوسک‌سین
۱۰۷	حماسه‌ی بیثو وولف
۱۲۸	سروده‌های کوتاه حماسه‌وار
۱۲۹	فینز برگ و یاقین
۱۳۱	...
۱۳۳	...
۱۳۵	...
۱۳۹	فصل ششم: سروده‌های ایرزین: مراثی و سروده‌های غنایی انگلیسی قدیم
۱۴۱	مویه‌ی دینور
۱۴۵	سرگردان و یا آواره
۱۵۲	دریانورد
۱۵۷	ویرانه
۱۵۹	مویه‌ی همسر
۱۶۲	پیام شوی
۱۶۵	وولف و ایدواکر
۱۶۶	معماها
۱۶۷	افسون‌ها
۱۶۹	پند و اندرزها و گفتارهای اخلاقی و خردمندانه
۱۷۱	فصل هفتم: سروده‌های مذهبی انگلیسی قدیم
۱۷۵	مکتب‌های سروده‌های مذهبی انگلوسک‌سین
۱۷۸	مکتب کدمن

۱۸۲	آفرینش جهان
۱۹۰	خروج
۱۹۲	دن یل
۱۹۵	حضرت مسیح و ابلیس
۱۹۸	جودیت
۲۰۳	مکتب کین وولف
۲۰۵	سرانجام حواریون
۲۰۸	حضرت مسیح ۱، ۲، ۳
۲۰۹	ولادت حضرت مسیح (حضرت مسیح ۱)
۲۱۰	عروج حضرت مسیح (حضرت مسیح ۲)
۲۱۳	روز استاخیز (حضرت مسیح ۳)
۲۱۶	جریس
۲۲۳	اندریاس
۲۲۸	گوتلاک
۲۳۵	فیزیولوژیس
۲۳۷	یورش حضرت مسیح به دوزخ
۲۳۸	روح و جسم
۲۳۹	سلیمان و زحل
۲۴۰	رؤیای صلیب
۲۵۱	فصل هشتم: آثار منشور انگلیسی قدیم
۲۵۴	الفرد و آثار منشور انگلیسی قدیم
۲۵۷	کتاب‌هایی که الفرد به انگلیسی قدیم برگردانده است
۲۵۸	وظایف روحانیون
۲۶۰	تاریخ جهان
۲۶۳	تاریخ کلیسای ملت انگلیس

۲۶۵	کتاب قانون انگلوسک‌سین
۲۶۶	تسلّی فلسفه (دل‌داری فلسفه)
۲۷۰	اندیشه‌نگاری و یا شکوفه‌ها
۲۷۵	سالنامه‌ی انگلیسی قدیم و یا رویدادنامه‌ی انگلوسک‌سین
۲۷۵	نثر انگلیسی قدیم پس از شاه الفرد
۲۷۵	دنستن، ایتل‌وُلد و آزوآلد
۲۷۶	روایات و مواعظ بلیک‌لینگ
۲۷۷	آل‌فریک
۲۷۷	روایات و مواعظ کاتولیک
۲۸۰	نفتگو (آشنایی با پیشه‌ها)
۲۸۱	مردانیت قدیسان
۲۸۲	خرشتنی اسقف وولفسیچ
۲۸۲	اندرز به فرزند ریحانی
۲۸۲	نامه‌ای به ریش اینسام
۲۸۲	اصول و عقاید عیسویت
۲۸۳	نامه‌ای به وولفستان
۲۸۴	نثرنویسان همروزگار آل‌فریک
۲۸۴	وولفستان
۲۸۵	خطابه‌ای به ملت انگلیس
۲۸۶	برث‌فرث
۲۸۶	مجموعه مطالب گوناگون
۲۸۷	افسانه‌ها
۲۸۸	نامه‌های اسکندر به ارسطو
۲۸۹	عجایب مشرق‌زمین
۲۸۹	داستان اپولونی‌ئس

۲۹۳	کتابنامه‌ی ادبیات انگلیسی قدیم
۲۹۴	بررسی‌های فراگیر
۳۰۹	زمینه‌های ادبی: سبک زبان و فنون شعر
۳۱۱	زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، دینی و تاریخی
۳۱۴	کتابنامه‌ی بید و آثار انگلولاتین
۳۱۷	کتابنامه‌ی سروده‌های پهلوانی و میراث کلاسیک آنها
۳۲۱	کتابنامه‌ی سروده‌ی <i>ویدسینز</i>
۳۲۲	کتابنامه‌ی حماسه‌ی <i>بیثو و وولف</i> : نقد و بررسی‌ها
۳۳۸	کتابنامه‌ی سروده‌ی <i>جنگ ملدین</i>
۳۴۱	کتابنامه‌ی سروده‌ی <i>جنگ برونن برگ</i>
۳۴۳	کتابنامه‌ی مرثی و سروده‌های غزلی
۳۴۴	کتابنامه‌ی سروده‌ی <i>موسن دیشمر</i>
۳۴۶	کتابنامه‌ی سروده‌ی <i>سرگن ان</i>
۳۴۹	کتابنامه‌ی سروده‌ی <i>دریانورد</i>
۳۵۳	کتابنامه‌ی سروده‌ی <i>ویرانه</i>
۳۵۴	کتابنامه‌ی سروده‌ی <i>مویه‌ی همسر</i>
۳۵۶	کتابنامه‌ی سروده‌ی <i>پیام شوی</i>
۳۵۸	کتابنامه‌ی سروده‌ی <i>وولف ایدواکر</i>
۳۵۹	کتابنامه‌ی معماها
۳۶۱	کتابنامه‌ی سروده‌های مذهبی انگلوسک‌سین
۳۶۴	کتابنامه‌ی کدمن و سروده‌های او
۳۷۰	کتابنامه‌ی کین وولف و سروده‌های او
۳۷۶	کتابنامه‌ی سروده‌ی <i>اندر یاس</i>
۳۷۸	کتابنامه‌ی سروده‌ی <i>گوتلاک</i>
۳۷۹	کتابنامه‌ی سروده‌ی <i>فینیکس</i>

۳۸۰	کتابنامه‌ی سروده‌ی <i>فیزیولوگس</i>
۳۸۱	کتابنامه‌ی سروده‌ی <i>رؤیای صلیب</i>
۳۸۴	کتابنامه‌ی <i>روح و جسم</i> و دیگر سروده‌ها
۳۸۵	کتابنامه‌ی نثر انگلیسی قدیم
۳۸۵	کتابنامه‌ی شاه الفرد
۳۸۸	کتابنامه‌ی سالنامه‌ی انگلوستک‌سین
۳۸۸	کتابنامه‌ی ال‌فریک
۳۹۰	کتابنامه‌ی <i>مواعظ بلیک‌لینگ</i>
۳۹۰	کتابنامه‌ی <i>ورف‌سان</i>
۳۹۳	فهرست راهنما به فارسی
۳۹۷	فهرست راهنما به انگلیسی (Index)

به نام خدا

پیشگفتار

ادبیات هر ملّتی تا اندازه‌ای دربردارنده‌ی تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن ملّت است و شناخت اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هر روزگاری می‌تواند به درک بهتر ادبیات آن روزگار انجامد. منتقدان نوین بر این باورند که در تفسیر یک سروده، نباید آن را با زمینه‌های گوناگون اجتماع و سرگذشت سراینده وابسته کرد، اما از دید ارسطویی‌های نوین و یا مکتب شیکاگو، کاربرد هر ریشه بجز ریشه خواننده را به درک شعر رهنمون باشد، ضروری است. زیبایی‌شناسان نیز بر این باورند که هدف شعر، شادمان کردن خواننده است نه آموزش. آنها بر هوراس خرده می‌گیرند، در حالی که استیسیان^۱ به خوبی دریافته‌اند، اگر مقاله‌ی هنر شعر^۲ هوراس را به زبان خود او، یعنی به زبان لاتینی می‌نویسند، می‌توانستند دریابند که هدف شعر، از دید هوراس، مسرت بخشیدن و بهبود بخشیدن به زندگی است نه دیگر سخن، هوراس، همانند آرنولد و بسیاری از منتقدان کنونی، شعر را نقدی بر زندگی می‌داند. در طول تاریخ، به ویژه در سده‌ی بیستم، رمان‌ها، سروده‌ها و نمایشنامه‌هایی می‌توان یافت که سزاوار آن نیستند که نام شامخ ادبیات را بر آنها نهیم. ادبیات دروغین، آزاردهنده و ادبیات راستین، شفافیتش است.

ادبیات و یا ادب راستین نماد و شرح زندگی راستین است، بود زندگی است. در بسیاری از زمان‌ها و مکان‌ها آنچه را زندگی می‌نامند، به راستی، زندگی است. ادبیات راستین پیکار زندگی راستین با زندگی ستیزی است. ادبیات خواهان رسیدن انسان به جایگاه بند انسانیت و خوی فرشتگانی به دور از هرگونه کژی و ددمنشی است. مهم نیست که یک ادیب، شاعر باشد و یا به نظم، دو کتاب کوروش به قلم گزننف^۳ و انتیسن تنیس^۴ یونانی، شعر راستین هستند، هر چه به نثر نوشته شده‌اند، زیرا هر دو نویسنده، انسانی دانا، دادگر و انسان‌مدار را به تصویر کشیده‌اند که حقوق بشر را برای همه‌ی انسان‌های دنیا می‌خواهد، کسی که الگوی یک رهبر آرمانی است. این‌گونه

^۱ . *Ars Poetica*

2. Xenophon, *Cyrus*

3. Antisthenes

نوشته‌ها را باید ادب راستین پنداشت و از آنها الهام گرفت، زیرا آنها به مانند مشعلی هستند که انسان را در رسیدن به انسانیت رهنمونند و او را با اندیشه‌های شریف ملهم می‌سازند.

ادبیات با زندگی روزمره در جدال است. حقیقت شعر با واقعیت‌های اجتماعی همسان نیست. دل‌داده در یکی از غزل‌های سیر فیلیپ سیدنی^۲ به دلبر خود، که به او رحم نمی‌کند، می‌گوید: «تو افسانه‌ی ساختگی دل‌داده‌ای را که امیدی به وصال ندارد، می‌خوانی و دل به حال آن دل‌داد می‌سوزانی، در حالی که به من، که دل‌داده‌ی راستین تو هستم، رحم نمی‌کنی.» این تأثیر جادو شعر است. به گفته‌ی ارسطو، حقیقت شعر، حقیقت آرمانی است. دنیای شعر دنیای آرمانی است و دنیای اجتماع، دنیای حقایق تلخ است. به گفته‌ی شاه لیر^۳: «چیست در طبیعت که این دل‌های سستی را می‌سوزاند؟ اما شاه لیر پس از تحمل درد و رنج کمرشکن، هنگامی که سپاهیان دختر دل‌بندش شکست روبرو می‌شوند و او و آن دختر دلسوزش راهی زندان هستند، شادمان است زیرا به دلبر خود، کسی که چه کسی پیروز می‌شود و چه کسی شکست می‌خورد، چه کسی به مقدر رسد و چه کسی از چرخ بخت فرو می‌افتد، زیرا وصال در عشق، او را به جایگاهی چنان رفیع رساند که در برابر آن، واقعیت‌های زندگی پیشیزی ارزش ندارند.

طبیعت دنیایی چنین زیبا، سخت میوای چنین پربار، گلستان و بوستان‌هایی چنین دلگشا، گل‌هایی چنین خوش بوی، نماهایی چون روح پرور، رودها و جوی‌هایی چنین پرآب و زلال و بهاری چنین جاودان را که شاعران ارزانی می‌ارند، هرگز نیافریده است. شاعران با الهام خدایی، دنیایی زرین آفریده‌اند، در حالی که دنیای طبیعت، با همه زیبایی سیدنی، دنیایی برنزی است. دلدادگان راستینی که در سروده‌های سعدی، حافظ، پیرایه و در بسیاری دیگر از شاعران دنیا می‌بینیم، در زندگی واقعی، افسانه‌اند. به همین دلیل است که شاعران هرگز به خاطر هنر» برای باورند که هزاران سال، ادبیات از زندگی تقلید کرده، اکنون هنگام آن رسیده است که زندگی از ادبیات تقلید کند و دلدادگان، دوستان، فداکاران و انسان‌های راستین از الگوهای ادبیات تقلید کنند که در ادبیات می‌یابند.

هزاران تعریف شعر در زبان‌های گوناگون وجود دارند، زیرا هر سراینده‌ای براساس سروده‌های خود، شعر را تعریف کرده است، اما شعر، به راستی، فراسوی هرگونه تعریف است. هیچ تعریفی آن اندازه فراگیر نیست که بتواند ترجمان شعر حافظ و بسیاری از دیگر شاعران باشد.

². Sir Philip Sidney

2. King Lear

سروده‌ای که درس اخلاق می‌دهد، شعر نیست، زیرا آموزش شعر به گونه‌ای دیگر است. شعر به تعریف و ستایش از تقوا نمی‌پردازد، بلکه تقواآفرین است. شعر اسرار زندگی را می‌گشاید، آورنده‌ی ادب و تمدن است، جاودانگی می‌بخشد، بذریه نیکوکاری، سخاوت و مردانگی را در وجود انسان می‌پروراند، او را در راه رسیدن به کمال رهنمون است و الهام‌بخش آرزوی نیکوکاری است. تأثیر اخلاقی شعر در ژرفای دل آدمی می‌نشیند و او را شادمان می‌کند. افسون شعر، به خواننده مسرت و آگاهی می‌دهد. بر دانش و نیک‌بختی او می‌افزاید و راه پرواز به سوی آرمان و کمال را به او نشان می‌دهد. توان گرایش، موهبتی است که خداوند به شاعر ارزانی می‌دارد تا خواننده را به آرمان درس یافتن شعر رهنمون شود.

شعر سراینده را آینه‌ی ذهن خود را سالم می‌انگارد، اما چه بسا شاعرانی که حقایق را واژگون جلوه می‌دهند. شاه بهمن ذره‌بینی حساس، محاسن و یا کاستی‌ها را هزار چندان می‌کنند. طنزنویس انسانی را خواهی یا نخواهی خودخواه به این معنا که هر چیز و یا هر کس را از دریچه‌ی ذهن خود می‌بیند و با ملاک‌های خودخواهانه داوری می‌کند. هر انسانی یک انسان است، نه فرشته، به این معنا که محاسن و کاستی‌ها را دارد. اما هر کسی است که به راستی، به کمال رسیده باشد. طنزنویس، کاستی‌ها را با کمک ذره‌بین می‌بیند، بزرگ می‌کند و سپس بر آنها می‌تازد. بنابراین، شاعر می‌تواند نوازش و آرامش دهد و یا برنجانند. اگر هر آنچه می‌رنجانند، از دید ارسطو، شعر نیست. مدح و ذم را نمی‌توان شعر نامید. انسانی را چنانچه خداگونه جلوه دادن و یا انسانی را از نردبان انسانیت فروافکندن و او را حیوان و اهریمن دیدن، دو کار جایگاه بلند شعر است. ادبیات مدح و ذم پیوسته محکوم به فراموشی است و به‌سان رنجاننده زود می‌ناپدید می‌گردد. این‌گونه ادبیات حتی اگر چند روزی در آسمان ادب بدرخشد، رانجاننده فراموش می‌شود. ادبیاتی راستین و جاودان است که به خواننده‌اش بینش و مسرت دهد و انسانی را تقواآفرین باشد و یا، به مانند سروده‌های غنایی، چنان تصویری از احساسات و عواطف قلبی شاعر بسازد که احکام بر دل نشیند.

شعری که از دل برآید، بر دل می‌نشیند. ادبیات پیوسته در پی برآوردن خواسته‌ها و گرایش‌های قلبی خواننده است، اما خواننده در هر صحنه از زندگی خود به آثار ویژه‌ای گرایش دارد و پیوسته در جستجوی تصویر و اندیشه‌هایی است که حسب‌الحال او باشند، تا آنچه را که خود حس می‌کند و توان بیانش را ندارد، در اثری بیابد که به‌سان آینه‌ای، خواسته‌های روح و ذوق او را متجلی سازد. اما دیدگاه خوانندگان و ادب‌دوستان پیوسته یکسان نمی‌ماند: گاه خواننده در پی

مسرّت است تا بر بال‌های شعر نشیند و در گلستان ادب به تفرج بپردازد، و گاه دوست دارد که طفل دبستانی آن باشد و از دم مسیحایی آن فیض برد. خواننده روزی در پی تصویری از غم و اندوه خود است، روزی از مرثیه بیزار و روزی آن را به جان می‌خرد، روزی طنز را عیب‌جویی و روزی آن را حقیقت‌بینی می‌انگارد. یک روز ممکن است شاعر این مصراع «جهان را نه مهر است با کس نه کین» را بدبینانه پندارد و چند سالی پس از آن، شاعر همان مصراع را تیزبین، واقع‌گرا و فیلسوفانه بشمارد و چندی بعد، آن شاعر را خوش‌بین انگارد و با خود بگوید که جهان را همه کین و بی‌مهری است.

بی‌خواننده دستخوش دگرگونی‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و تاریخی است و تنها منتقد آگاه و صالّح می‌تواند با تشریح این‌گونه زمینه‌ها، که برای درک بهتر ادبیات ضروری هستند، خواننده را یاری دهد. مفسرانی که ادبیات از اوضاع اجتماعی متأثر است و خود نیز بازتاب‌دهنده‌ی همان اوضاع و دگرگونی‌هاست، تأثیر سرگذشت یک نویسنده بر آثارش را نمی‌توان به سادگی دریافت، زیرا یک اثر ادبی می‌تواند بخشی از رویدادهای زندگی نویسنده‌اش هماهنگ باشد و یا آنکه هیچ‌گونه وابستگی به سرگذشت نداشته باشد. با آنکه آشنایی با سرگذشت یک نویسنده و عواملی که بر او اثر گذاشته‌اند، سودمند است، این شناخت چندان خالی از خطر نیست، زیرا شاعر و یا نویسنده، یک انسان است و در رویارویی با ماضی و حال و آینده‌ی زندگی گهگاه ناامید می‌شود، زیرا دنیایی را می‌بیند که با آرمان‌های او فرسنگ‌ها فاصله دارد. او نیز با تأثیر پذیرفتن از زندگی، خوش‌بین و یا بدبین می‌شود، عشق می‌ورزد و بیزار می‌گردد. مهم این است که تا چه اندازه متأثر شود و در کدام صحنه‌ی زندگی، خامه برگیرد و اثری بیافریند و تا چه اندازه احساسات را رها و یا مهار کند.

دلیلی وجود ندارد که شاعر پیوسته شاعرانه زندگی کند. شاعران، پاک و قداست را می‌ستایند، اما همگی پاک و مقدّس نیستند. شعر بیانگر آرمان، آرزو و آسایش‌های شاعر است، نه تصویری از زندگی و سرگذشت او. شاعر، به گفته‌ی کیتس و الیوت^۳، دارای شخصیت متفاوت است. او یک انسان و یک شاعر است. او همانند هر انسان دیگری، از دشواری‌های زندگی رنج می‌برد، اما هنگامی که شعر می‌آفریند، خودخویششتن او ناپدید می‌شود و او تنها یک شاعر است، نه انسانی که رنج می‌برد.

^۳. John Keats and T.S. Eliot

ادبیات هر روزگاری ویژه همان روزگار است. حماسه‌های کلاسیک هنوز هم بر تارک ادبیات جهان می‌درخشند، اما روزگار این‌گونه سروده‌های پهلوانی سده‌هاست که سپری شده است. حتی **فردوس از دست رفته** را که میلتن^۱ در سده‌ی هفدهم سرود، با همه‌ی شکوه و بزرگی آن، سروده‌ای پهلوانی نیست. در حماسه‌های کلاسیک، انسان‌های بزرگ خداگونه‌اند و در کانون جهان قرار دارند، اما در حماسه‌ی میلتن، خداوند، انسان‌گونه شده است و میلتن هبوط حضرت آدم و پیامد رمان او را براساس کیش حضرت مسیح، به تصویر کشیده است. پیدایش رمان در سده‌ی هجدهم سکوفایی آن به جایی رسیده که جایگزین حماسه شده است، در حالی که رمان داستان طبقه‌ی متوسط و سراسر عادی است، داستانی که وابستگی به دلاوران حماسه ندارد و چه‌بسا که واقعیت‌های تلخ را به تصویر می‌کشد.

در روزگار رنسانس، گزل عشق به‌سان کمان یولیس نیز^۲ بود و هر شاعری توان خود در کشیدن آن کمان را آزمود. شاعران سده‌های عشقی پس از روزگار بازگشت (سال ۱۶۶۰) ناپدید شدند و روزگار غزل‌سرایی سرآمد. شاعری رومنتیک در آغاز سده‌ی نوزدهم، عقده‌ی دل را گشودند، اما بروز احساسات رومنتیک پایدار نماند. رومنتیک، که به سروده‌های غنایی گرایش دارد، خود را واپسین شاعر رومنتیک می‌خواند. **تن‌ئسن**^۳ سروده‌های سده‌ی نوزدهم که نام‌های برخی از شخصیت‌های هومر را به خود اختصاص داده‌اند، اما آنها تنها نام‌ها را به دست گرفتند و پیوسته با خود و با اجتماع در ستیزند. **سپر اکی‌لیز** (آشیل)^۴ در حماسه‌ی هومر، نماد دنیای پهلوانی است، اما **آدین**^۵ سپری را به اکی‌لیز می‌دهد که هیچ ویژگی پهلوانی ندارد. بسیاری از سرودهای سده‌ی بیستم، سرشار از ناامیدی و تنهایی هستند.

هدف شعر در آغاز پیدایش آن، شاید شادمان کردن روح انسان بوده است، اما سروده‌ها همگی هدفی یکسان ندارند. اگرچه شادمان کردن، آموختن، دلداری دادن، رها کردن، نام احساسات، گشودن عقده‌ی دل و غیره از جمله هدف‌های شعر می‌باشند، یک سروده می‌تواند چندین هدف را دربرگیرد. ادبیات آموزنده و مذهبی، که در مشرق‌زمین پیوسته پراوازه بوده است، در ادبیات انگلیس،

^۱ Milton, *Paradise Lost*

^۴ Tennyson

^۲ Ulysses

^۵ Achilles

^۳ W. B. Yeats

^۶ W. H. Auden

بجز در سده‌های میانه، سهم چندانی ندارد، زیرا هدف آموزش شعر باید تلویحی باشد و شاعر باید در پرتو شادمان کردن، به تربیت خواننده نیز همت گمارد و روان او را رفعت بخشد.

سروده‌ها در نخستین جلد *تاریخ ادبیات انگلیس*، بیشتر به سنت شعر پهلوانی و یا کیش حضرت مسیح وابسته‌اند. حتا سروده‌های غنایی به گونه‌ای از عیسویت متأثرند. از آنجا که دانشجویان برای کمک سروده‌ها به آگاهی از میراث کلاسیک حماسه و شناخت عیسویت نیازمندند، جلد نخست را با بایستی تهیه و گسترش داده‌ام تا کمبودهای آن برطرف شود.

در بازبینی این جلد و در واپسین جلدهای *تاریخ ادبیات* نام‌ها را با تلفظ انگلیسی نوشته‌ام. تلفظ رایج نام بیشتر نسوی هستند تا انگلیسی. پیشنهاد دوستان متأسفانه این بود که تلفظ‌های رایج را به کار گیریم. من گفتم تلفظ نام‌ها با این خطر روبه‌روست که دانشجویان زبان انگلیسی، نکی‌لیر را آشیل، یولیس نیز را ایزس، ایزن‌دیر^۲ را الکساندر، ورجیل^۳ را ویرژیل، ژومنتیک را رمانتیک، میل‌تین را میل‌تون، تین‌سن را تین‌سون، بنارد ش^۴ را برنارد شاو، کول‌ریج را کالریج^۵ و دیک‌ننز^۶ را دیکنز تلفظ کنند. اگر فرصت بازبینی پیش آید، همه‌ی نام‌ها را با تلفظ‌های انگلیسی آنها خواهم نوشت.

از کاربرد واژه‌ی «تاریخ» در عنوان این کتابها خشنود نیستم، زیرا درباب ادبیات هستند، نه تاریخ. اما دوستان براین باورند که واژه‌ی «تاریخ» «تاریخ ادبیات» یک اصطلاح است، که ربطی به تاریخ ندارد و تنها به معنای بررسی ادبیات به ترتیب تاریخی است.

یافتن معادل فارسی آشنا و مناسب برای سطر در شعر انگلیسی دشوار است؛ زیرا سطر ویژه‌ی نثر است نه نظم. «بیت» واژه‌ای مناسب نیست، زیرا هر بیت فارسی در زبان فارسی دو مصراع و یک وقفه میان آنهاست، در حالی که هر سطر شعر انگلیسی معادل یک مصراع است. هر سطر شعر متجانس الحروف^۷ انگلیسی قدیم را با وجود داشتن وقفه، نمی‌توان بیت نامید. چرا که در هر سطر، آن را به دو نیمه‌ی مساوی تقسیم نمی‌کند. واژه‌ی اوستایی اُفْسَمَن مناسب شعر متجانس الحروف انگلیسی قدیم است، اما اُفْسَمَن واژه‌ای آشنا برای خوانندگان نیست. بنابراین، افسمن را گهگاه برای شعر انگلیسی قدیم و مصراع را برای سروده‌هایی که وزن و بحر معینی دارند، به کار برده‌ام.

^۲. Alexander
4. Coleridge

2. Virgil
5. Dickens

3. G. B. Shaw
6. Alliterative Poetry

در سراسر این ده جلد، بسیاری از سروده‌هایی را که دانشجویان به آنها نیاز دارند، به فارسی برگردانده‌ام. هدف از برگردان‌ها، درک مفهوم بوده است تا دانشجویان ارجمنند مفهوم هر واژه و مصراع را دریابند. برگردان یک سروده‌ی انگلیسی به شعر فارسی دشوار نیست و ممکن است زیبا انگاشته شود، اما چنین برگردانی، نادیده گرفتن هدف آموزش و پیچاندن معناست. مترجم هر سروده‌ی انگلیسی باید با زبان انگلیسی روزگار سرایش سروده آشنا باشد. هنگامی که چاسر می‌گوید *that silly old man*، مقصودش آن پیرمرد شادمان است، زیرا واژه‌ی *silly* که از زبان لاتین به زبان انگلیسی آمد، در سده‌ی چهاردهم به معنای شادمان بود. بسیاری از واژه‌ها و ساختارهایی را که شکسپیر به کار برد، امروزه از دستاورد کتونی زبان، همخوانی ندارند.

امید است که برگردان‌ها مفید افتند و به درک بهتر تفسیرها انجامند. سروده‌ها با زبانی آشنا و شیوا و با متنهای روان، به فارسی برگردانده شده‌اند. امید است که ناآزموده‌ای که از این چشمه‌ها می‌نوشد، دست به خود را بر آنها نشوید.

طرح کلی این تاریخ ادبیات به گونه‌ای است که همه‌ی روزگاران ادبیات انگلیس را دربرگیرد. تاکنون ده جلد آن منتشر شده و دوازدهم نیز در دست نگارش است. اگر فرصتی به دست آید، نوشته خواهند شد، اگر چه رمان سده‌ی بیستم، از دید دانشجویان چنان گوناگون نیست و نقد نو گونه‌ای بررسی علمی ادبیات است و روح لطیف ادبیات را پژمرده می‌کند.

جلد نخست: ادبیات انگلیسی قدیم.

جلد دوم: ادبیات انگلیسی میانه.

جلد سوم: ادبیات رنسانس (سده‌ی شانزدهم) بجز نمایشنامه.

جلد چهارم: ادبیات سده‌ی هفدهم (ادامه‌ی رنسانس) بجز نمایشنامه.

جلد پنجم: نمایشنامه‌ی رنسانس (با میراث کلاسیک آن و نمایشنامه‌ی سده‌های میانه).

جلد ششم: ادبیات روزگار بازگشت و سده‌ی هجدهم.

جلد هفتم: شاعران رومنتیک

جلد هشتم: ادبیات روزگار ملکه ویکتوریا

جلد نهم: شعر و نقد سده‌ی بیستم.

جلد دهم: نمایشنامه‌ی سده‌ی بیستم.

جلد یازدهم: رمان سده‌ی بیستم.

جلد دوازدهم: نقد سده‌ی بیستم.

این تاریخ ادبیات برای گروه خاصی نوشته نشده است. طرح و شیوه‌ی آن به گونه‌ای است که امید است برای همگان مفید افتد.

دکتر امراله ابجدیان
اول اردیبهشت‌ماه ۹۰

www.ketab.ir